

بسم الله الرحمن الرحيم!

طبقه سیاسی فاسد در لبنان، برای خاموش ساختن انقلاب مردمی، فرقه‌گرایی و تعصبات مذهبی را دامن می‌زند!

(ترجمه)

از آغاز انقلاب مردمی در لبنان در 17 اکتبر 2019م طبقه سیاسی فاسد در این سرزمین تلاش دارد تا برای خاموش ساختن این انقلاب، سیاست فرسوده خود را به کار گیرد. می‌خواهد خشمی را فرونشاند که سیاست‌های مبتنی بر فساد سیاسی و اقتصادی باعث تحریک آن شده است. سیاست‌هایی که سی سال است به‌گونه متوالی به‌وسیله دولت اعمال می‌شود. بدهی‌هایی که برای این سرزمین به ارث مانده و از به کول کشیدن آن‌ها عاجز است، نزدیک به 90 میلیارد دالر می‌باشد. علاوه بر این که تمام خدمات اساسی در این سرزمین؛ مانند: برق، آب و زیرساخت‌ها، در پایین‌ترین سطح خود باقی مانده است. برای هرکسی که لبنان و وضعیت وخیم آن را می‌شناسد، واقعیت کنونی این سرزمین ریش‌خندی بی‌پیش نیست.

در این سی سال خشک و بی‌حاصل طبقه فاسد، در قدم اول سیاست‌مداران و در قدم دوم ذی‌نفعان در سیاست‌گذاری‌ها، رشد کردند. سیاست‌مداران تبدیل به معامله‌گران و یا تبدیل به شرکای آن‌ها شده، بانک‌های زیادی را صاحب و مفاصل اساسی این سرزمین را کنترل می‌کنند؛ طوری که لبنان تبدیل به مزرعه‌ای سودآور برای آن‌ها شده است؛ حتی گفته می‌شود که ثروت این قاچاق‌چیان در خارج از این سرزمین، نزدیک به 300 میلیارد دالر می‌رسد؛ رقمی که یک سوم و یا کم‌تر از آن تمام بدهی‌های لبنان را پرداخت می‌کند.

بنابراین انقلاب مردمی لبنان بیان واقعی فریاد از درد ظلم و بی‌عدالتی، فقر و فساد است که جنبه‌های مختلف زندگی مردم را تحت تأثیر قرار داده است.

این انقلاب از لحاظ خروج مردم در برابر حکام و فرقه‌های ساخته و پرداخته آن‌ها از زمان تأسیس رژیم لبنان به نوع خود نخستین می‌باشد. درحالی‌که این انقلاب هنوز هم پابرجاست، قبیله حاکم باز هم در تلاش اعمال رفتارهای وحشیانه می‌باشد. با وجود همه فسادهای موجود در این سرزمین، ما این را به خوبی متوجه می‌باشیم که در باز نمودن پرونده‌های قضایی که مردم را دچار توهم نموده و کاملاً توهین‌آمیز است، هدف آن ایجاد درگیری‌ها بین انقلاب‌کنندگان می‌باشد. این درحالی‌ست که در این سرزمین بخش اعظم مقامات قضایی وابسته به حزب ایران در لبنان، کابینه ریاست جمهوری و جنبش وطنی آزاد هستند؛ بنابراین قرارات قضایی صادر شده یا پرونده‌های باز شده، علیه وزیر سابق فواد سنیوره و نخست وزیر پیشین نجیب میقاتی، کسانی که در این رژیم فرقه‌ای نسبت به "جامعه اهل سنت" در معرض تنفر و بدگمانی قرار دارند و هم‌چنان باز نشدن پرونده‌های دیگر فساد، نشان می‌دهد که قبیله حاکم در تلاش ایجاد درگیری‌ها در بین تظاهرکنندگان در خیابان‌ها است، تا این که به مسلمانان؛ به‌ویژه به اهل سنت هشدار داده باشند که این جنگ علیه آن‌ها است.

این بازی مردم را فریب نداده و منجر به خاموشی انقلاب‌شان نخواهد شد. علاوه‌براین، رابطه بین مسلمانان اهل سنت و بین کسانی که ادعا می‌کنند رهبران اهل سنت در لبنان هستند، ضعیف و کاملاً سرد و خشک می‌باشد. دلیل آن این است که در

این سال‌ها به اصطلاح، رهبران وعده‌های دروغین به توده‌های آن‌ها در خصوص بسیاری از پرونده‌ها داده‌اند؛ به‌ویژه پرونده‌های بازداشت‌شدگان اسلام‌گرایان، که سال‌هاست خودسرانه، بدون سرنوشت و بدون محاکمه، زندانی هستند و این درحالی می‌باشد که وعده‌های این طبقه فاسدی که ادعای رهبری اهل سنت را می‌کنند، برای پایان دادن به این پرونده‌ها هنوز ادامه دارد.

هم‌چنان آن‌چه را که رئیس‌جمهور میشل عون در سخنرانی خود در تاریخ 2019/10/31 م اظهار داشت، بعید از این نیست؛ چنان‌چه گفت: (... من تعهد می‌سپارم که برای ایجاد دولت مدنی بیرون از فرقه‌گرایی و برای تصویب قانون یک‌پارچه احوال شخصی... تمام تلاش خود را انجام دهم...). با آن‌که تعقیب‌کنندگان انقلاب مردمی می‌دانند که هدف انقلابیون پایان دادن به وضعیت فساد و از بین بردن مفسدین است. علاوه‌براین، خواستار اصلاحات اقتصادی و معیشتی نیز می‌باشند و اصلاً کدام اشاره‌ای به احوال شخصی و محاکم شرعی ندارند؛ به استثنای بگومگوهای ضعیفی که در خصوص این طرح از مدت‌ها قبل آدرس مشخص دارند. سعی می‌کنند از انقلاب مردم و نیازهای آن‌ها برای عبور از برخی این ایده‌ها سوء استفاده کنند. این طرحی که رئیس‌جمهور در سخنان خود در یک سیاق کاملاً ناسازگار با انقلاب مردمی مطرح نموده است، تا به‌سان مینی در میان انقلابیون این سرزمین انفجار کرده و آن‌ها را به قضیه‌ای که کاملاً حساسیت آن معلوم است، مشغول کند. می‌خواهد که "مراجع مذهبی" را تحریک کرده و احساسات اسلامی را بر بی‌انگیزد و در نتیجه مشکلی را پدید آورد که از شدت انقلاب کاسته و باعث ایجاد شکاف بین انقلابیون و منجر به تقسیم آن‌ها شود. انقلابیونی که ترکیبی از همه "فرقه‌ها" بوده و بخش بزرگ آن‌ها از نقض قانون احوال شخصی خودداری می‌کنند و بعید نیست که برای قلقلک دادن احساسات سکولارهایی که در بین انقلاب وجود دارند؛ نیز تلاش صورت گیرد و این تلاش‌ها برای بهره‌برداری از روحیه و تمایل‌شان برای رد هر پدیده‌ای می‌باشد که رنگ و بویی دینی داشته باشد. لیکن همان‌طوری که معلوم است آمدن این واقعیت بر انقلابیون هیچ بعید نیست. این علامت خوبی برای هشدار مردم نسبت به فساد و تصرفات این طبقه است.

انقلاب هم‌چنان استمرار داشته و طبقه فاسد نیز اسالیب فاسدی را از جنس انقلاب به‌کار می‌گیرند و این بعید نیست که چوپان اصلی این سرزمین؛ یعنی آمریکا برای رام کردن اوضاع فقط راه‌های حل را پینه زده، به ایجاد هیچ راه حلی عجله نمی‌کند و از این‌که سر رشته امور از دست‌اش در رود ترسی ندارد؛ زیرا طبقه سیاسی فاسدی که اکنون بالای این سرزمین حاکم است، در وفاداری‌های سیاسی خود تابع آمریکا بوده و در تحرکات و دستورات عمل‌های خود به آمریکا و به سفارت‌خانه‌های آن در لبنان متکی می‌باشند. علی‌رغم بی‌زاری مردم از اقتدار این حکام، آمریکا هم‌چنان این فاسدین را حکام و قدرت حاکم این سرزمین خطاب می‌کند. از استمرار این حرکت چنین بر می‌آید که آمریکا تمایلی به حل این مسأله نداشته و میدان را به این فاسدین خالی گذاشته است. اما این فاسدین هم جز تحمیل فرقه‌گرایی و تحریک تعصبات مذهبی، اسالیب دیگری را نمی‌شناسند؛ چون توجیه کردن مسائل علیه یک گروه و ایجاد سوء ظن در میان انقلابیون این سرزمین، چیزی جز این نیست.

انقلاب مردمی لبنان، عراق، سودان و انقلاب مردمی مداوم الجزایر، ثابت‌کننده این است که آگاهی و هوشیاری امت روزبه‌روز در حال افزایش است. انقلاب‌های بهار عربی در سال 2011 م آغاز شد تا خواستار آزادی و اصلاحات شوند؛ اما به جنگ رژیم‌ها علیه مردم تبدیل شد. تمرکز بر سرنگونی رئیس‌جمهور بود؛ اما تمرکز انقلاب‌ها امروز توسعه یافته و انقلابیون خواستار براندازی

کامل طبقات سیاسی می‌باشند. هم‌چنان افزایش آگاهی مردم در خصوص تلاش رژیم‌ها برای شیطنت در انقلاب‌ها، نوعی از توسعه آگاهی و هوشیاری در امت است.

بله! در مورد سرنگونی طبقه سیاسی فاسد رأی عام ایجاد شده و افکار عمومی خواستار چنین چیزی می‌باشند و این چیزی است که فروپاشی قبیله حاکم سیاسی را در پیش دارد. اما تنها کاری که این امت باید انجام دهند این است که رهبری را دنبال کنند که آگاهانه و مخلصانه آنان را به سمت یک هدف روشن و منسجم هدایت نماید، تا در نتیجه آن، آگاهی عامی پدید آید که از آن رأی عامی ایجاد شده و به یک تغییر اساسی منجر شود، **إن شاء الله!** زیرا تغییر اساسی، کاری است که نیاز به تلاش آگاهانه دارد. نیاز دارد تا یک‌جا با صفوف مردم گام برداشته شده، رهبری آن‌ها برجسته و مشخص شود؛ در عین حال روشن شود که منافع مردم فقط در صورت تحقق هدف مورد نظر تأمین می‌شود و بس.

نویسنده: المهندس مجدی علی

15 ربیع الاول 1441 هـ.ق

13 نوامبر 2019 م

مترجم: علی مطمئن